

ارزیابی تحولات جمعیتی در کانون‌های سکونتی منطقه کلانشهری تبریز و چالش‌های پیش‌روی آن

محمد عزتی^۱

کریم حسین زاده دلیر^۲

محمدرضا پورمحمدی^۳

چکیده

ظهور مناطق کلانشهری که یکی از پدیده‌های قرن بیستم به شمار می‌رود، ابتدا در اثر تمرکز سرمایه در مهمترین شهرهای کشورهای جهان و سپس تمرکززدایی جمعیت و فعالیت در منطقه‌ای وسیع‌تر همراه با فرایندهایی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و صنعتی شکل گرفت. امروزه مناطق کلانشهری با چالش‌های مختلفی از قبیل پراکندگی جمعیت و فعالیت در سطح منطقه، عدم تعادل فضایی، روند رشد کالبدی شهرها، نحوه توزیع امکانات در میان ساکنین و نظایر اینها درگیر هستند و این امر مدیریت شهری را با مشکلات متعددی مواجه کرده است. نوشتار حاضر با نگاهی اجمالی بر تفکرات منطقه‌گرایی، تلاش دارد روند رشد و پراکنش جمعیت در سطح منطقه کلانشهری تبریز را بررسی نماید. روش پژوهش حاضر، توصیفی (کتابخانه‌ای) - تحلیلی بوده تا با جمع‌آوری داده‌ها مبتنی بر روش اسنادی و کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از طرح‌های مصوب، آمار و گزارشات موجود به سؤال اصلی تحقیق یعنی؛ «تعاملات جمعیتی شهر تبریز با نقاط شهری پیرامون خود چگونه بوده است؟» پاسخ دهد و تلاش کرده راهکارهایی را برای بهبود و آمایش فضایی و توزیع متناسب جمعیت در منطقه کلانشهری تبریز ارائه نماید. از جمله نتایج بدست آمده این است که رشد شتابان شهرنشینی در کلانشهر تبریز باعث ایجاد فاصله عمیق جمعیتی میان این شهر و شهرهای اطراف (منطقه کلانشهری) در دهه‌های اخیر شده بطوریکه الگوی توزیع جمعیت در منطقه مذکور بدون برنامه بوده و از نظامی متناسب با ظرفیت‌ها و استعدادها تبعیت ننموده که این امر مدیریت شهر تبریز و منطقه کلانشهری تبریز را با مشکلات مختلفی مواجه نموده است. در صورت تداوم چنین روندی، منطقه کلانشهری با مشکلات بیشتری مواجه خواهد بود که در نهایت موجبات نهادینه نشدن جایگاه تبریز به عنوان مرکز علمی- فرهنگی منطقه و عقب‌ماندگی تبریز در رقابت با اقتصاد متکی بر دانش و فناوری روز و افول جایگاه شهر تبریز در سطح ملی و فراملی در بلندمدت را در پی خواهد داشت.

واژگان کلیدی: منطقه کلانشهری، تبریز، جمعیت، سکونتگاه، مدیریت

مقدمه:

یکی از پدیده‌های نوین شهرنشینی، ظهور مناطق کلانشهری است. این شکل از شهرنشینی که محصول تحولات انقلاب صنعتی بود، از اوایل قرن بیستم ابتدا در اثر تمرکز سرمایه، فعالیت و جمعیت در مهمترین شهرهای کشورهای جهان و سپس تمرکززدایی جمعیت و فعالیت در منطقه‌ای وسیع‌تر همراه با فرایندهایی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و صنعتی ظهور یافت (Dadashpoor, 2011: 92) و در طی قرن مذکور به ویژه در اواخر آن به صورت شکل غالب شهرنشینی درآمد؛ اما روند فزاینده کلانشهری در جهان خالی از مساله نبوده و

^۱. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرند، شهر مرند (نویسنده مسئول)

Email : m.ezzati91@yahoo.com-Tel:09143143372

^۲. استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرند، شهر مرند

^۳. استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

پیامدهای منفی بسیاری به همراه داشته است. تهدید جدی کیفیت محیط زیست، افزایش فقر شهری و تشکیل مناطق حاشیه‌نشین، کمبود زیرساخت‌ها و خدمات شهری از قبیل تأمین آب و عرضه مسکن، نابرابری اقتصادی و اجتماعی و مسائل متعدد دیگر که بویژه در کشورهای جنوب به دلیل نرخ رشد شتابان جمعیت در مناطق کلان‌شهری به صورت حادثتری بروز نموده است (رشیدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۶).

یک منطقه کلان‌شهری قلمرو وسیعی است شامل یک منطقه کلان‌شهری بزرگ و نواحی شهری کوچک‌تر پیرامون در شمال ۱۵۰ کیلومتری که در این آرایش سرزمینی یکسری روابط متقابل و وابستگی رخ داده و بواسطه توزیع مجدد جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی، هم تولید تخصصی و هم پیچیدگی اجتماعی نشان داده می‌شود (رجایی، ۱۳۹۴: ۹۰). مناطقی که رشد آنها رابطه تنگاتنگی با روند جهانی شدن و ساختار نظام جهانی شهرها و نقش آفرینی کلان‌شهرها در شبکه سلسله مراتبی آن دارد به گونه ای که گرایش‌ها، روندها و نیروهای پیچیده جهانی شدن، با شتاب بخشیدن به فرایند توسعه مناطق کلان‌شهری به عنوان موتور اقتصاد جهانی، و به سود نظام سرمایه‌داری جهانی، بذر رقابتی فزاینده را در میان این مناطق نهادند (Nelles, 2012: 2).

یکی از چالش‌های اساسی در مناطق کلان‌شهری، چالش جمعیت می‌باشد. سده اخیر در حالی آغاز شده که جمعیت جهان با رشد زیادی مواجه گشته است و درصد بالایی از این جمعیت، شهرنشین شده‌اند و هر ساله به میزان ۶۰ میلیون نفر به این جمعیت افزوده می‌شود (متوسلی و اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۵: ۶۳-۶۲). که ادامه روند فزاینده جمعیت و شهرنشینی موجب اتخاذ سیاست تمرکززدایی و شکل‌گیری و ظهور شهرهای میلیونی و پدیده ابر شهر منطقه‌ها^۱ یا مناطق کلان‌شهری^۲ در کشورهای مختلف جهان از جمله ایران شده که برای اولین بار در مصوبه سال ۱۳۷۴ هیئت وزیران با عنوان «مجموعه‌های شهری» معرفی شدند (اسدی، ۱۳۹۵: ۶) و نتیجه این فرایند تغییر شکل سکونتگاه‌های غالب انسانی چه در کشورهای توسعه یافته و چه در حال توسعه میباشد که متأثر از این شرایط، کلان‌شهر تبریز نیز از این قضیه مستثنی نبوده و با توسعه فضایی-کالبدی خود از یک طرف و پخشایش نسبی جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی به نواحی حاشیه‌ای خود به یک منطقه کلان‌شهری تبدیل شده است. اما در این میان روند رشد کالبدی نامناسب شهر تبریز، جذب امکانات سایر مناطق شهری توسط کلان‌شهر مرکزی، عدم پویایی شهرهای پیرامون بدلیل توسعه نابرابر اقتصادی، توسعه بی‌برنامه و سریع کانون‌های جمعیتی، ناتوانی مدیریت شهری در تأمین مسکن و خدمات زیربنایی و... از جمله چالش‌های اساسی منطقه کلان‌شهری تبریز به شمار می‌رود.

بنابراین رشد نامنظم و بدون برنامه‌ریزی نقاط شهری منطقه کلان‌شهری تبریز باعث شدت رشد پراکنش شهری و رشد نامنظم شهرهای مجموعه در بستر اراضی باغی اطراف شهرها علی‌الخصوص پیرامون شهر تبریز شده است (قربانی و همکاران، ۱۳۹۵:). همچنین بررسی پیشینه موضوع نشان می‌دهد که تابحال پژوهشی در خصوص ارزیابی میزان موفقیت نقاط شهری و روستایی منطقه کلان‌شهری تبریز در جذب جمعیت صورت نگرفته است. بنابراین با توجه به اهمیت روز افزون این موضوع، هدف نوشتار حاضر بررسی روند رشد و پراکنش تحولات جمعیتی و همچنین نحوه توزیع سکونتگاه‌ها را در سطح منطقه کلان‌شهری تبریز می‌باشد.

بنابراین نوشتار حاضر در پی آن است که روند رشد و پراکنش جمعیت در سطح منطقه کلان‌شهری تبریز را با بهره‌گیری از روش توصیفی (کتابخانه‌ای)-تحلیلی ارزیابی نماید. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که استقرار و پخشایش جمعیت در منطقه کلان‌شهری تبریز نامناسب و بدون برنامه بوده و در صورت تداوم چنین روندی، منطقه کلان‌شهری با مشکلات بیشتری مواجه خواهد شد که در نهایت موجبات نهادینه نشدن جایگاه تبریز به عنوان مرکز علمی-فرهنگی منطقه و اتکای بیش از حد بر توسعه صنعتی (ماقبل پسامدرن) و عقب‌ماندگی تبریز در رقابت با اقتصاد متکی بر دانش و فناوری روز و افول جایگاه شهر تبریز در سطح ملی و فراملی در بلندمدت را در پی خواهد داشت.

^۱Mega City-Region

^۲Metropolitan Region



مبانی نظری:

پدیده «کلانشهر» به مفهوم رایج و امروزی آن محصول انقلاب صنعتی و به دنبال آن انقلاب شهری است که مشخصاً از اوایل قرن بیستم در محدوده جوامع اروپایی بروز و ظهور کالبدی یافته است. صنعت و خدمات اصولاً فعالیت‌هایی هستند تمرکز طلب، نیازمند تراکم و مرکزگرا و در این میان «شهر» محصول فرآیندهای مذکور و نتیجه متراکم سازی جمعیت و فعالیت‌های صنعتی و اقتصادی در یک محدوده کالبدی نسبتاً کوچک است. تشدید کمی و کیفی فرآیندهای تمرکزگرای مذکور در پی انقلاب صنعتی و انقلاب شهری، شرایط و بستر لازم برای شکل‌گیری و رشد شهرهای بزرگتر و نهایتاً کلانشهرها را به منظور حداکثر صرفه‌جویی‌های ناشی از تجمع فراهم آورد. اما قانون بازدهی نزولی مقیاس (هزینه‌های تراکم) نیز متقابلاً شرایطی را فراهم می‌آورد که اصولاً نیروها و فرآیندهای مرکزگریز را به یکی از مؤلفه‌های ذاتی کلانشهرها تبدیل می‌کند. به همین دلیل است که کلانشهری شدن^۱ و منطقه‌گرایی^۲ دو فرآیند همزاد و همراه در متون برنامه‌ریزی فضایی تلقی می‌شوند. نتیجه این همراهی را می‌توان به شکل لازم و ملزوم بودن کلانشهر و منطقه کلانشهری^۳ در اغلب موارد مشاهده کرد (لاله‌پور و سرور، ۱۳۹۳: ۱۰۸-۱۰۷). در تعریف منطقه کلانشهری آمده است: منطقه کلانشهری، منطقه‌ای مشتمل بر یک شهر مرکزی به همراه سکونتگاه‌های حومه‌ای که این سکونتگاه‌ها و شهر مرکزی به لحاظ اجتماعی، اقتصادی وابستگی متقابل به یکدیگر دارند (Pacione, 2005: 638) و نظام واحدی از سکونت، فعالیت و خدمات را در حال و آینده تشکیل می‌دهند. لذا برنامه‌ریزی و مدیریت این مجموعه می‌بایستی در قالب سازمان واحد فضایی و یکپارچه انجام گیرد (مهدی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۱۱). امروزه ساختار فضایی مناطق کلانشهری نتیجه محل سکونت، قیمت زمین، بازار کار و فعالیت، قوانین و مقررات، زیرساخت‌ها و... در طول زمان می‌باشد. نحوه سازمان‌یابی ساختار فضایی، تعیین‌کننده چگونگی عملکرد مناطق کلانشهری و در نتیجه نشان‌دهنده نحوه دسترسی، میزان پایداری زیست محیطی، عدالت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، میزان نوآوری‌های فرهنگی و... این مناطق می‌باشد (داداش پور و تدین، ۱۳۹۴: ۶۶). بنابراین، مطالعه و تحلیل ساختار فضایی مناطق کلانشهری، با شناسایی نحوه توزیع جمعیت و فعالیت آغاز می‌شود. در این میان، در خصوص منطقه‌گرایی کلانشهری سه رویکرد مطرح شده است که در زیر بصورت مختصر بدانها تشریح می‌شود:

۱- منطقه‌گرایی سنتی

مفاهیم و عناوین مترادفی چون منطقه‌گرایی سنتی، سنت اصلاح کلانشهری، سنت حومه کلانشهری، مکتب حکمروایی کلانشهری و رویکرد یکپارچه سازی همگی دلالت بر تلاشهای نظری و عملی دارند که تا دهه ۷۰-۱۹۶۰ (زمان اوج‌گیری نظریه انتخاب عمومی) در حوزه تجدید سازمان حکومت‌های محلی بویژه در آمریکا جریان داشته است. اصول اصلی منطقه‌گرایی سنتی اولین بار به طور جامع از سوی پل استودنسکی^۴ و در اثر وی با عنوان «حکومت نواحی کلانشهری در ایالات متحده آمریکا» در سال ۱۹۳۰ به چاپ رسید. وی در این کتاب ادعا می‌کند که حکومت در سیستم‌های متفرق ناکارآمد بوده و در شرایط تفرق حکومتی، مراجع شهری قادر نیستند تصمیمات منسجمی را در مقیاس کلانشهری اتخاذ نمایند. دغدغه اصلی این سنت، وجود تفرق حکومت‌های محلی و منجر شدن آن به فقدان اثربخشی و ناکارایی سیاست‌گذرای و خدمات رسانی عمومی است. تفرق سیاسی منطقه کلانشهری، کلانشهر را که یک اجتماع محلی با ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی واحد است را به قطعات متعدد تقسیم می‌کند. در نتیجه مسائل و نابرابری‌های زیادی در توزیع جمعیت و فعالیت، مشکل تأمین مالی خدمات عمومی و عدم هماهنگی در خدمات رسانی بروز می‌کند. راه حل نهایی این مکتب؛ ایجاد یکپارچگی سیاسی-حکومتی در پهنه منطقه کلانشهری یعنی ادغام حکومت‌های محلی متعدد و ایجاد ساختارهای بزرگ مقیاس مدیریت و حکمروایی کلانشهری است (اسدی، ۱۳۹۵: ۷).

1- Metropolitanization

2- Regionalism

3 - Metropolitan region

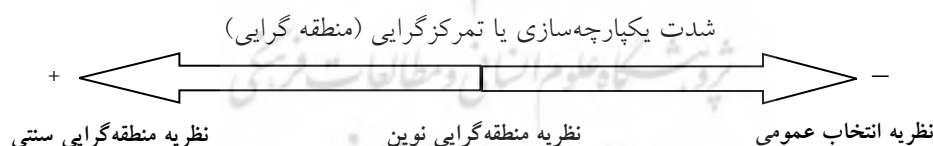
4 - Paul Studenski

۲- انتخاب عمومی

دومین دیدگاه اصلی درباره نحوه مدیریت مناطق کلان شهری که از اواخر دهه ۱۹۵۰ ظهور یافت مکتب انتخاب عمومی است که توسط چارلز تیپوت در سال ۱۹۵۶ با عنوان «نظریه ناب هزینه کرد عمومی» مطرح گردید. تفرق حکومت‌های محلی از نظر دانشمندان این مکتب، برخلاف طرفداران منطقه‌گرایی سنتی، یک مزیت و موهبت است نه یک نقص و ایرادی که باید رفع گردد (Savitch and Vogel, 2009). از دید استیگلر^۱ در خصوص نظریه مذکور می‌توان چنین استنباط نمود که «اگر ما تأمین همه فعالیت‌های حکومتی را به کوچکترین واحد حکومتی بدهیم که البته بتواند آن را با کارایی به انجام برساند، این اقدام به احیاء و نوسازی وسیعی در حکومت‌های محلی منجر خواهد شد» (Ostrom, 1972, 480). بطور کلی نظریه انتخاب عمومی به منطق جایگاه منافع شخصی در تصمیم‌گیری‌های ساکنان، ترویج رقابت عمومی بین حکومت‌های محلی، خودمختاری محلی و کاهش احتمال همکاری منطقه‌ای تأکید دارد.

۳- منطقه‌گرایی نوین

دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ دهه افول جریان‌های منطقه‌گرایی سنتی و اوج رویکرد انتخاب عمومی در بسیاری از کشورهای آمریکایی و اروپایی است. منطقه‌گرایی نوین در دهه ۱۹۹۰ زمانی مطرح شد که اندیشمندان شهری، وابستگی متقابل شهر و نواحی حومه ای را دوباره مورد تأکید قرار دادند. در این دوره، جمعیت به طور مداوم به سمت پیرامون و به سوی حومه، نواحی فراشهری و شهرلبه‌ها گسترش می‌یافت. منطقه‌گرایان نوین به این حقیقت رسیدند که شهر-منطقه در مقابل شهر، واحد مناسبی برای رقابت در اقتصاد جهانی است. لذا بحران‌های شهری نتیجه وجود تفاوت‌های نژادی، اقتصادی و اجتماعی بین شهرها (حلقه درونی نواحی حومه‌ای و حومه‌های جدیدتر بیرونی) است (Savitch and Vogel, 2009: 113). دستور کار سیاسی منطقه‌گرایان نوین، جستجوی راه‌هایی برای کاهش تفاوت‌های مالی-اقتصادی و اجتماعی بین شهر مرکزی و نقاط شهری پیرامون آن است. لذا از استراتژی‌هایی چون؛ ایجاد مسکن قابل استطاعت در حومه‌ها برای کاهش جدایی‌گزینی اجتماعی، رفع انطباق فضایی مکان و اشتغال و سکونت، رشد هوشمند و هدایت رشد به شهرها مرکزی، تخصیص منابع و استقلال بیشتر برای حکومت‌های محلی حمایت می‌کنند (اسدی، ۱۳۹۴: ۱۰). در حالت کلی اگر بخواهیم این سه نظریه را بر اساس شدت منطقه‌گرایی یا تمرکزگرایی حکومتی ترسیم کنیم، شاید بتوان شکل شماره یک را وارد دانست.



شکل ۱: شدت یکپارچه‌سازی حکومتی در سه نظریه منطقه‌گرایی کلانشهری

مأخذ: اسدی، ۱۳۹۵: ۷

داده‌ها و روش‌ها:

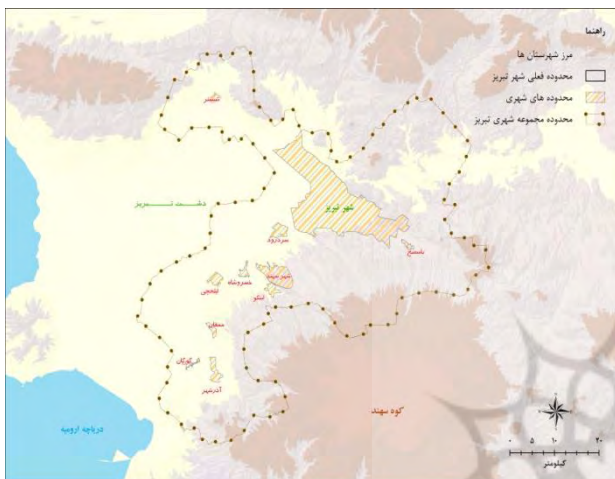
تحقیق حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است. مراحل و روش تحقیق بدین ترتیب بوده است که در گام نخست و در راستای تشریح ایده نظری تحقیق، مفاهیم و رویکردهای نظری در زمینه شکل‌گیری مناطق کلانشهری و نظام مدیریت و برنامه‌ریزی کالبدی-فضایی آن‌ها به شیوه مطالعه کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار گرفته و جهت پاسخ به سؤال پژوهش «تعاملات جمعیتی شهر تبریز با نقاط شهری پیرامون خود چگونه بوده است؟» از طرح‌ها و اسناد مصوب، آمارهای منتشر شده مرکز آمار ایران و سازمان‌های دولتی مربوطه و

^۱- Stigler



نهایتاً به منظور تهیه نقشه پراکنش فضایی مراکز سکونتی و جمعیتی از محیط نرم افزار Arc Gis استفاده شده است. سرانجام با تلفیق و تطبیق مبانی نظری و یافته‌های تحقیق و نیز مصاحبه با برخی از کارشناسان مربوطه ویژگی قالب تحولات جمعیتی و کالبدی (پراکنش سکونتگاهی) منطقه کلانشهری تبریز و مسائل مربوطه استخراج گردیده و نهایتاً در بخش نتیجه‌گیری، اقدامات و راهکارهای لازم جهت اصلاح نظام مدیریت و برنامه‌ریزی کالبدی-فضایی و جمعیتی با تأکید بر بهبود نظام استقرار مراکز سکونتی و جمعیت منطقه مورد مطالعه ارائه گردیده است.

شناخت محدوده مورد مطالعه (منطقه کلانشهری تبریز):



شکل ۲: موقعیت تبریز بر روی منطقه کلانشهری تبریز

(نگارندگان، ۱۳۹۶)

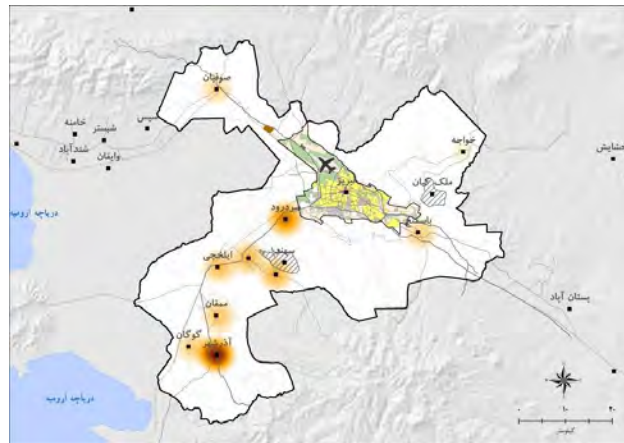
منطقه کلانشهری تبریز شامل کلانشهر تبریز و کانون‌های جمعیتی، اقتصادی و خدماتی اطراف آن است که با ملاحظه حدود تقسیمات اداری-سیاسی ۲۹۸۹/۹۵ کیلومترمربع وسعت داشته که بر اساس آمار سرشماری سال ۱۳۷۵ دارای ۱۴۸۴۳۶۳ نفر و طبق سرشماری سال ۱۳۹۵، تعداد ۱۸۲۳۱۱۸ نفر جمعیت در خود جای داده است. این محدوده از شمال به شهرستان مرند و از جنوب به مراغه و از شرق به شبستر و از غرب به هریس منتهی می‌شود که ۶,۷۵ درصد کل وسعت استان را به خود اختصاص داده است (مهندسان مشاور زیستا، ۱۳۸۸، بخش اول قسمت سوم: ۷-۵). نقاط شهری واقع در منطقه مورد مطالعه تحقیق حاضر عبارتند از: تبریز- خواجه- باسمنج- صوفیان- سردرود- خسروشهر- اسکو- ایلخچی- ممقان- گوگان- آذرشهر، شهرهای جدید سهند و شهریار می‌باشند. کل نقاط جمعیت محدوده مجموعه شهری تبریز، شامل ۲ شهر

جدید، ۶ شهرستان، ۱۰ بخش، ۱۴۵ مرکز جمعیتی (۱۱ نقطه شهری، ۱۲۰ نقطه روستایی و ۱۴ مکان جمعیتی) می‌باشند که در داخل منطقه کلانشهری تبریز واقع شده‌اند. لازم به توضیح است محدوده عملکردی تعیین شده برای منطقه کلانشهری تبریز در تحقیق حاضر انطباق و همپوشانی بسیاری با محدوده تعیین شده در تحقیق از سوی طرح مجموعه شهری تبریز برخوردار است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها:

-رشد و پراکنش جمعیت در منطقه کلانشهری تبریز

اطلاعات مربوط به جمعیت منطقه کلانشهری تبریز و روند تغییرات آن‌ها طی سال‌های ۹۵-۱۳۴۵ بر اساس اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن در جدول شماره ۱-۱ ارائه شده است. جمعیت مناطق شهری بدون شهر تبریز، طی دوره زمانی ۹۵-۱۳۴۵ بیش از ۲۰ برابر شده و از ۶۶,۲۷۶ نفر در سال ۱۳۴۵ به رقم ۱۸۲۳۱۱۸ نفر در سال ۱۳۹۵ رسیده است. به عبارت بهتر نرخ رشد سالانه جمعیت منطقه مذکور طی دوره زمانی ۴۵ ساله معادل ۲,۵ درصد بوده است. شایان ذکر است بدون در نظر گرفتن اطلاعات جمعیتی شهر تبریز، در سال ۱۳۹۵ بیشترین جمعیت محدوده مورد مطالعه بعد از شهر جدید سهند، در شهر آذرشهر ساکن بوده است. سهم جمعیت این شهر از کل جمعیت منطقه کلانشهری معادل ۲۴,۷ درصد می‌باشد. نسبت مذکور در سال‌های پیشین نیز کم و بیش در همین حدود بوده است. رتبه‌های بعدی به سردرود (۱,۱۶ درصد) و اسکو (۱,۱۰ درصد) ایلخچی (۱,۰۹ درصد) اختصاص دارد.



شکل ۳: نقشه شماتیک پراکنش جمعیت در نقاط شهری منطقه کلانشهری تبریز

مأخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۶

بررسی‌ها نشان می‌دهد طی دوره زمانی ۹۵-۱۳۴۵، جمعیت شهر تبریز با نرخ رشد سالانه ۳ درصدی، حدود ۳,۷ برابر شده و از رقم ۴۰۳,۴۱۳ نفر در سال ۱۳۴۵ به رقم ۱۵۵۸۶۹۳ نفر در سال ۱۳۹۵ رسیده است. با در نظر گرفتن اطلاعات جمعیتی شهر تبریز، جمعیت برخی از نقاط شهری منطقه کلانشهری تبریز طی ۴,۵ دهه گذشته بیش از ۴ برابر شده و از ۴۶۹۶۸۹ نفر در سال ۱۳۴۵ به ۱۸۲۳۱۱۸ نفر در سال ۱۳۹۵ رسیده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد با توجه به محوریت تبریز به عنوان مرکز استان آذربایجان شرقی، طی دوره زمانی ۹۵-۱۳۴۵، سهم جمعیت تبریز از کل منطقه کلانشهری همواره بیش از ۸۹ درصد بوده است (جدول شماره ۱-۱). اما در سال‌های اخیر با گسترش و توسعه امکانات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، تمایل افراد برای سکونت در این شهر (جهت دسترسی به سطح بالاتر رفاه) بیشتر شده است که این امر منجر به افزایش سهم شهر از جمعیت مناطق شهری در دهه گذشته شده است. اما آمارها نشان می‌دهد که رشد جمعیت نقاط سکونتگاهی واقع در پیرامون کلانشهر تبریز (از جمله شهرها اسکو، سردرود، خسروشهر، آذرشهر، ممقان و ایخلچی) در ۱۵ سال اخیر روند مثبتی را طی نموده است که این امر نشانگر اجرای سیاست تمرکززدایی از کلانشهر تبریز و پخشایش جمعیت و فعالیت در منطقه کلانشهری تبریز در سال‌های اخیر شده است.



شکل ۴: نرخ رشد کلانشهر تبریز طی دهه ۱۳۴۵-۱۳۹۵

مأخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۶



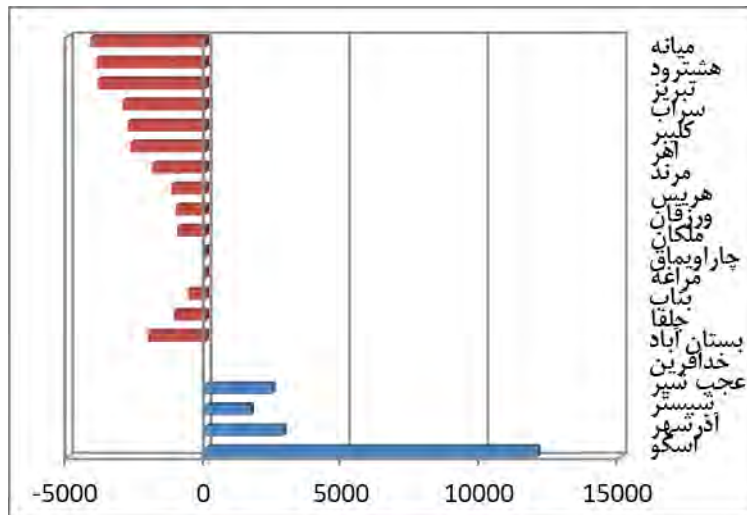
جدول ۱: جمعیت شهرهای منطقه کلانشهری تبریز طی سال‌های ۹۵-۱۳۸۵

شهر	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵	نرخ رشد ۹۰-	نرخ رشد
اسکو	۱۶۲۶۲	۱۶۹۸۳	۱۸۴۵۹	۰/۸۷	۱/۶۷
سهند	۵۱۳۰	۲۴۷۰۴	۸۲۴۹۴	۸/۵۴	۲۴/۱۰
سردرود	۲۴۹۳۲	۲۶۸۵۶	۲۹۷۳۹	۱/۴۹	۲/۰۴
خسروش	۱۴۹۲۵	۱۲۴۴۷	۲۱۹۷۲	-۳/۶۳	۱۱/۳
آذرشهر	۳۶۸۰۱	۳۹۹۱۸	۴۴۸۸۷	۱/۶۳	۲/۳۵
ممقان	۱۲۵۷۶	۱۳۳۵۹	۱۱۸۹۲	۱/۲۱	-۲/۳۳
ایلخچ،	۱۳۹۸۵	۱۵۲۳۱	۱۶۴۷۴	۱/۷۱	۱/۶۹
باسمنج	۱۰۷۳۶	۱۱۱۹۰	۱۲۶۹۲	۰/۸۳	۲/۵۲
صوفیان	۸۹۸۰	۹۱۲۶	۹۹۶۳	۰/۳۲	۲/۷۶
خواجه	۳۷۰۶	۳۸۰۱	۴۰۱۱	۰/۵۱	۱/۰۸
تبریز	۱۳۹۸۰	۱۴۹۴۹۹	۱۵۵۸۶	۱/۳۴	۰/۸۳
گوگان	۱۱۱۰۳	۱۱۳۹۵	۱۱۷۴۲	۰/۵۲	۰/۶۰
				-	-
جمع کل	۱۵۵۷۱	۱۶۸۰۰۰	۱۸۲۳۱		
	۹۶	۸	۱۸		

مأخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۶

بررسی مهاجران وارد شده به تفکیک نقاط شهری مناطق کلانشهری نشان می‌دهد که طی دوره ۷۵-۱۳۶۵، شهر تبریز حدود ۹۱ درصد مهاجران وارد شده به مناطق شهری پیرامون را به خود اختصاص داده است و پس از تبریز، آذرشهر با رقمی معادل ۳,۱۸ درصد در مقام دوم قرار گرفته که در مقایسه با تبریز سهم بسیار کمی را از مهاجران وارد شده به خود اختصاص داده است. همچنین این بررسی طی دوره ۸۵-۱۳۷۵ نشان می‌دهد، شهر تبریز در این دوره نیز رقم بالایی از مهاجران وارد شده (معادل ۸۵,۲۴ درصد) به خود اختصاص داده است. سهم ۱۰ شهر دیگر حوزه، حدود ۱۵ درصد است. شهر تبریز از امکانات اجتماعی و خدماتی بالاتری نسبت به سایر شهرهای مجموعه برخوردار است و این مزیت شهر تبریز، موجب جذب حجم بسیار بالایی از مهاجران به سمت خود می‌شود. بعد از شهر تبریز، شهر سردرود ۳,۶۵ درصد مهاجران را به خود اختصاص داده و با اختلاف بسیار چشمگیری در مقام دوم قرار گرفته است. شایان ذکر است که شهر خواجه کمترین درصد (۰,۳۴ درصد) مهاجران وارد شده را دارا می‌باشد.

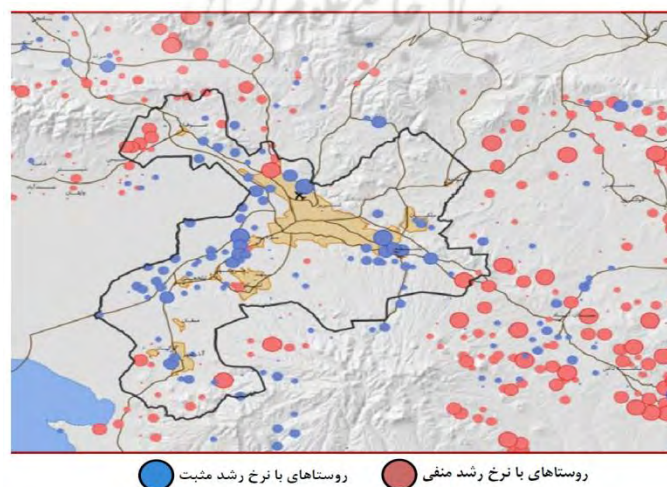
بررسی نسبت مهاجران وارده شده به جمعیت مجموعه شهری (جدول شماره ۱-۵) نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۵ معادل ۱۱,۹۶ درصد جمعیت مجموعه شهری را مهاجران وارد شده تشکیل داده‌اند. مقایسه پیکره مشابه برای شهرهای مجموعه شهری تبریز حاکی از تحول نسبتاً بالای جمعیت ساکن شهرهای سردرود، خسروشهر، آذرشهر و ممقان می‌باشد. در سال ۱۳۸۵ سهم مهاجران وارده شده از کل جمعیت شهرهای مذکور به ترتیب معادل ۲۷,۱۸ درصد، ۲۶,۸۷ درصد و ۲۰,۳۲ درصد بوده است.



شکل ۵: شهرستان‌های مهاجرپذیر و مهاجرفرست استان (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰)

همچنین بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰، ۱۳ شهرستان استان مهاجرفرست هستند (که بستان‌آباد از جمله شهرستان‌های مهاجرفرست می‌باشد) و ۷ شهرستان دیگر از جمله (اسکو، آذرشهر، شیبستر و عجب‌شیر) مهاجرپذیرترین شهرستان‌های استان تلقی می‌شوند (شکل شماره ۵). ملاحظه نرخ رشد شهرهای مختلف حوزه، بیانگر آن است که طی دوره مذکور علاوه بر شهر تبریز، شهرهای سردرود، آذرشهر، ایلخچی، صوفیان و تبریز از نرخ رشد بالاتر از ۲ درصد برخوردار بوده‌اند. در این میان، آذرشهر و سردرود که دومین و سومین شهر حوزه به لحاظ جمعیت ساکن به شمار می‌آیند پس از تبریز، از نرخ رشد بالایی برخوردار بوده است. به نظر می‌رسد، دلیل این امر آن است شهرهای مذکور فاصله کمتری با مرکز دارند لذا در طول زمان جمعیت بیشتری را به خود جذب کرده‌اند.

با توجه به اینکه کلانشهر تبریز چه به لحاظ کالبدی و چه از نظر اقتصادی، گنجایش اسکان مهاجران جدید حاشیه نشین را ندارد. لذا مهاجران جدید به طور خودجوش به دنبال مناطقی هستند که به شهر نزدیک بوده و فاصله زیادی با شهر تبریز نداشته باشد و از سوی دیگر دارای اراضی ارزان قیمت نسبت به شهر باشد و در نتیجه اراضی روستاهای پیرامون شهر تبریز به دلیل ارزان بودن و در عین حال پائین بودن هزینه احداث بنا در آن‌ها مورد هجوم مهاجرین وارد شده به شهر تبریز قرار گرفته و به شدت در حال توسعه می‌باشند. بطوریکه بررسی و مطالعه نگارنده نشانگر آن است که در طی ده سال اخیر جمعیت و وسعت بسیاری از روستاهای واقع در حریم شهر تبریز از جمله چاوان، آناختون، اوغلی، شادباد علیا و... چندین برابر شده است (شکل ۶).



شکل ۶: موقعیت روستاهای منطقه کلانشهری تبریز بر اساس نرخ رشد ۹۵

مأخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۶

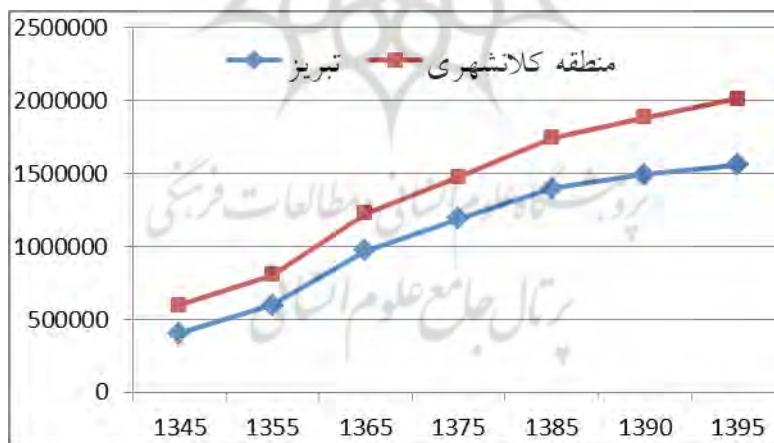


جدول ۲: تحولات و نرخ رشد جمعیت شهرهای مناطق کلانشهری تبریز طی دوره ۹۰-۱۳۴۵

شرح	اسکو	سردرود	خسر و شهر	ادز شهر	مفقان	ایلخچی	باسمنج	صوفیان	خواجه	تبریز	گوگان	کل
افزایش جمعیت طی دوره (نفر)	۵۸۳۶	۱۶۵۱۰	۱۰۱۵۶	۱۰۰۰۶۱	۳۶۰۶	۱۱۱۱۱	۶۸۳۶	۱۷۶۵	۴۳۷۱	۵۷۱۵۰۱	۷۷۶۵	۱۱۵۳۷۱۱
نرخ رشد سالیانه طی دوره (درصد)	۱,۱	۲,۹	۱,۶	۲,۱	۱,۳	۲,۹	۱,۹	۲,۰	۱,۵	۲,۹	۱,۵	۲,۸

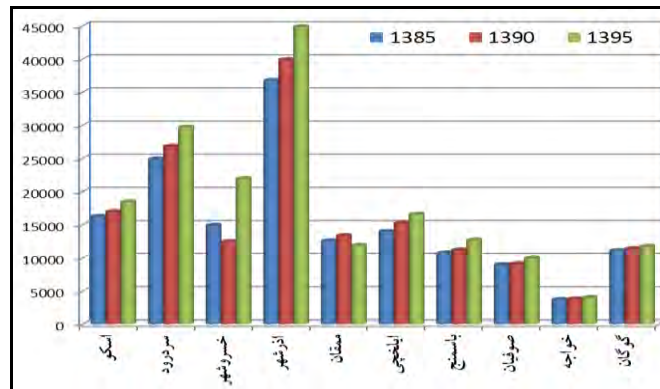
مأخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۶

سهم شهر تبریز از جمعیت مناطق شهری پیرامون خود از ۸۵/۸۹ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۹۰/۳۲ درصد در سال ۱۳۹۰ افزایش و سپس به ۸۹/۵۰ درصد در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است (اشکال شماره ۷ و ۸). جمعیت پذیری شهر جدید سهند در منطقه کلانشهری در کنار رشد جمعیتی بیشتر ایلخچی و سردرود عامل اصلی کاهش سهم شهر تبریز از جمعیت مناطق شهری اطراف شهر تبریز بوده است. با نادیده گرفتن شهر جدید سهند و افزایش جمعیت آن به جمعیت شهر تبریز، سهم جمعیتی شهر تبریز از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ تقریباً ثابت می‌ماند. این وضعیت در خصوص سهم جمعیتی شهر تبریز از کل منطقه کلانشهری نیز نشان می‌دهد که سهم تبریز در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۷۵ کاهش یافته و این کاهش تنها به دلیل شهر جدید سهند و شهرهای سردرود و ایلخچی نیست بلکه مناطق روستائی نیز در جذب جمعیت تأثیر داشته‌اند این امر مهاجرپذیری روستاهای اطراف شهر تبریز و رشد بالای آنها را نشان می‌دهد که می‌تواند در آینده با بزرگ شدن این روستاها و ادغام در شهر تبریز و یا تبدیل به منطقه منفصل از شهر، مسائل زیادی را برای شهر دامن بزند.



شکل ۷: مقایسه جمعیت منطقه کلانشهری و شهر تبریز طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۴۵

مأخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۶



شکل ۸: نرخ رشد شهرهای موجود در مناطق کلانشهری تبریز

مأخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۶

بر اساس روند گذشته نرخ رشد شهرهای منطقه کلانشهری تبریز، تنها نکته‌ای که متفاوت در نظر گرفته شده، جمعیت‌پذیری بیشتر شهر جدید سهند است. به هر حال از آنجا که شهر جدید سهند در گذشته شکل نگرفته بود و اینک با تکمیل بخش عمده‌ای از آن، در حال جذب جمعیت است و در کنار این موضوع، تمام مسکن مهر شهر تبریز نیز در این شهر تأمین شده‌است، بنابراین، انتظار جمعیت‌پذیری بیشتر این شهر به مفهوم کاهش سهم تبریز حتی با شرایط ادامه روند موجود وجود دارد و با اعمال ضریب جمعیت‌پذیری دو برابر برای شهر جدید سهند، به همین میزان از جمعیت تبریز بر اساس رشد گذشته شهر کاسته شده است. همچنین شهر جدید شهریار که مصوب بوده و عملیات اجرائی آن آغاز شده‌است، انتظار می‌رود که تا سالهای افق طرح، جمعیت پذیر شده و بخشی از جذب جمعیت تبریز را به سمت خود انتقال دهد.

جدول ۳: سهم جمعیتی شهر تبریز از جمعیت مناطق شهری در دوره‌های سرشماری

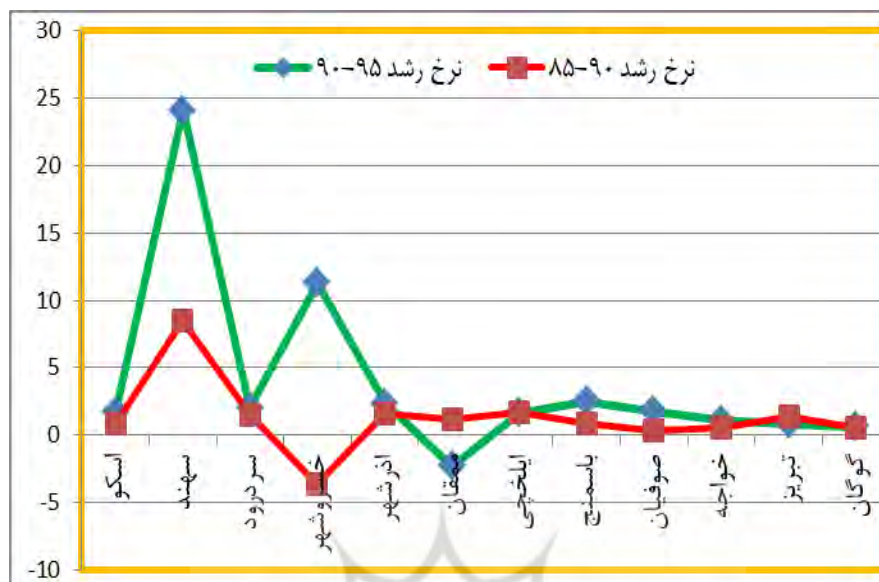
سهم تبریز از مناطق شهری	سهم تبریز از کل حوزه نفوذ	جمعیت شهر تبریز	جمعیت مناطق شهری	جمعیت کل حوزه نفوذ	شرح سال
۸۵,۸۹٪	—	۴۰۳۴۱۳	۴۶۹۶۸۹	—	۱۳۴۵
۸۷,۷۰٪	—	۵۹۷۹۷۶	۶۸۱۸۱۴	—	۱۳۵۵
۸۹,۸۶٪	—	۹۷۱۴۸۲	۱۰۸۱۰۸۴	—	۱۳۶۵
۹۰,۴۴٪	۸۱,۱۵٪	۱۱۹۱۰۴۳	۱۳۱۶۸۷۶	۱۴۶۷۷۳۹	۱۳۷۵
۸۹,۶۴٪	۷۹,۰۴٪	۱۳۹۸۰۶۰	۱۵۵۹۶۷۶	۱۷۶۸۹۰۸	۱۳۸۵
۸۸,۹۹٪	۷۹٪	۱۴۹۴۹۹۸	۱۶۸۰۰۰۸	۱۸۹۲۳۵۳	۱۳۹۰
۸۵,۵۰٪	۷۷,۴۰٪	۱۵۵۸۶۹۳	۱۸۲۳۱۱۸	۲۰۱۴۰۷۲	۱۳۹۵

مأخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات نگارندگان

بنابراین بررسی تحولات سهم جمعیت شهرهای منطقه کلانشهری (جدول شماره ۳) نشان می‌دهد که سهم تبریز از کل حوزه نفوذ از نقاط شهری واقع در منطقه کلانشهر تبریز از سال ۱۳۷۵ به بعد (تاکنون) کاهش یافته و بر عکس سهم برخی از روستاها و شهرهای منطقه کلانشهری که فاصله نزدیکی با این کلانشهر دارند، افزایش چشمگیری داشته است. همچنین بدون در نظر گرفتن اطلاعات جمعیتی شهر تبریز، طی دوره زمانی ۴۵ ساله بیشترین تحولات سهم جمعیتی به ترتیب شهرهای آذرشهر، سردرود، خسروشهر، سردرود، اسکو، ایلخچی اختصاص دارد. سهم جمعیت شهرهای اسکو و ممقان از کل جمعیت منطقه کلانشهری کاهش و سهم جمعیت شهرهای



آذرشهر، سردرود و خسروشهر افزایش یافته است. این در حالی است که با در نظر گرفتن تحولات جمعیتی شهر تبریز، تغییرات سهم جمعیتی سایر شهرهای محدوده مورد مطالعه چندان چشم‌گیر نیست.



شکل ۹: نرخ رشد منطقه کلانشهری تبریز طی سالهای ۱۳۸۵-۹۵

مأخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۶

بنابراین چنین استنباط می‌شود که یکی از شاخص‌های بارز منطقه کلانشهری تبریز، کاهش رشد جمعیت در شهر اصلی (کلانشهر) و افزایش جمعیت در نقاط پیرامونی است. لذا بررسی رشد و پراکنش جمعیت منطقه کلانشهری تبریز در دهه‌های اخیر نشان داد به رغم توفیق نسبی سیاست‌های تمرکززدایی جمعیت طبق طرح مجموعه شهری مصوب تبریز، به علت عدم توجه به دیدگاه منطقه کلانشهری، جمعیت بیشتر در مناطق پیرامونی و به شکلی نامناسب و نامتعادل بوده است. این پدیده به نحو بارزی در دهه ۹۰ در تبریز و اطراف آن به ظهور رسید. مقایسه نرخ رشد جمعیت پنج ساله اخیر از تحول معنادار خبر می‌دهد که معرف گرایش تبریز به نقاط پیرامونی آن به یک منطقه کلانشهری می‌دهد.

بحث و بررسی:

مطالعه حاضر، روند تحولات جمعیتی منطقه کلانشهری تبریز را با نگاهی به جایگاه نقاط شهری واقع در منطقه مذکور مورد بررسی قرار داده است. مروری بر یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که رشد جمعیت در سال‌های اخیر به نفع نقاط شهری پیرامون کلانشهر تبریز مواجه بوده است که این امر باعث تخلیه جمعیت و سرریز آن از شهر مرکزی (تبریز) به شهرهای اطراف تبریز از جمله آذرشهر، خسروشهر، سردرود، مقان و اسکو بوده که دلیل اصلی آن نزدیکی این شهرها به کلانشهر مرکزی و استقرار شهرک‌های صنعتی در اطراف این شهرها می‌باشد که در طول زمان جمعیت بیشتری را به خود جذب کرده اند. لذا مقصد مهاجران وارد شده به شهرهای منطقه کلانشهری تغییر یافته و شهرهایی مانند سردرود، خسروشهر و آذرشهر مقصد نهایی مهاجران بوده است.

در این میان انباشت سرمایه و ایجاد فرصت‌های شغلی در اطراف کلانشهر تبریز و کمبود یا فقدان این امکانات در سایر مناطق پیرامونی در دهه‌های اخیر موجب تمرکز جمعیت و فعالیت در این منطقه گردیده و سبب شکل‌گیری و رشد فزاینده سکونتگاه‌های خودرو در حاشیه شهر تبریز شده است. یافته‌های این تحقیق حاکی از ضعف‌های نظام مدیریت و برنامه‌ریزی منطقه کلانشهری تبریز در سازماندهی فضایی جمعیت و فعالیت منطقه دارد. بر این اساس می‌توان پذیرفت که یکی از شروط و الزامات توسعه کالبدی- فضایی

منسجم و پایدار مناطق کلانشهری، ایجاد یک نظام هدایت و کنترل مؤثر و مدیریت یکپارچه تحولات کالبدی- فضایی آن است که این موضوع در سیاست‌ها و راهبردهای کلان ملی، منطقه‌ای و محلی می‌باید پیگیری شود.

همچنین می‌توان نتیجه یافته‌های تحقیق حاضر را با تعدادی از مطالعات صورت گرفته در این زمینه مورد مقایسه قرار داد: بطوریکه نتایج این تحقیق با نتایج تحقیقات زیر در یک راستا می‌باشد. با نتایج داداش‌پور و همکاران (۱۳۹۵) چرا که هر دو تحقیق به عدم تعادل فضایی جمعیت و فعالیت و پیشروی منطقه به سوی قطبیت بیشتر تأکید دارند. همچنین با نتایج تحقیق رشیدی ابراهیم حصار و همکاران (۱۳۹۵)، هر دو تحقیق به عدم زیست‌پذیر بودن منطقه کلانشهری تبریز اشاره می‌کنند. با نتایج تحقیق لاله‌پور و سرور (۱۳۹۳)، که هر دو تحقیق به مدیریت و برنامه‌ریزی ایجاد شهرک‌های صنعتی بر اساس ساختارهای سنتی در ایران تأکید دارند. با نتایج تحقیق دانشپور و همکاران (۱۳۹۳)، که هر دو تحقیق به رشد سریع و پراکنده نقاط پیراشهری و گسترش فضایی بدون برنامه‌ریزی نظام شهرنشینی پیرامون در منطقه تأکید می‌کنند. تحقیق حاضر با پژوهش صورت گرفته توسط قربانی و همکاران (۱۳۹۵) هر دو به رشد نامنظم و بدون برنامه‌ریزی نقاط شهری منطقه کلانشهری تبریز که باعث شدت رشد پراکنش شهری و رشد نامنظم شهرهای مجموعه را در بستر اراضی باغی اطراف شهرها علی‌الخصوص پیرامون شهر تبریز تأکید دارند. همچنین نتایج تحقیق متوسلی و اسماعیل‌زاده (۱۳۸۵)، که هر دو تحقیق به استقرار جمعیت و فعالیت بصورت نامتعادل و نامناسب در منطق کلانشهری تأکید نموده‌اند.

نتیجه گیری:

حال بر اساس آنچه مورد مطالعه قرار گرفت، به بررسی سوال تحقیق و تبیین آن آنها پرداخته می‌شود. در پاسخ به سوال پژوهش، چنین استنباط می‌شود که بدلایلی همچون؛ عدم وجود نظام سلسله مراتب شهری در منطقه و سلطه عملکردی تبریز، تداخل حریم تبریز با شهرهای مجاور از یکسو و گسترش نیازها و کارکردهای تبریز به حریم شهرهای اطراف، خلاء مدیریت یکپارچه سرزمینی در منطقه کلانشهری و چندگانگی مراکز تصمیم‌گیری، وجود پدیده سوداگری زمین در اراضی پیرامون شهرها و گسترش تدریجی محدوده شهری در منطقه کلانشهری، عدم توجه به مسائل زمین‌شناختی در توسعه ساخت و سازهای مسکونی پیراشهری، عدم جمعیت‌پذیری مناسب شهر جدید سهند و شهریار مطابق با اهداف برنامه‌ای طرح‌های مذکور و جذابیت کمتر از انتظار آن‌ها در وضع موجود در مقابل مهاجرپذیر بودن روستاهای اطراف کلانشهر تبریز به دلیل عامل نزدیکی و ارزان بودن اراضی، ادغام تدریجی شهرهای نزدیک به تبریز به وسیله تخریب اراضی با ارزش کشاورزی و باغی حد فاصل آن‌ها (بوئژه در سردرود و باسمنج)، گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی در پیرامون شهرها و به صورت آشفته و فاقد کیفیت‌های حداقلی ایمنی و فرم کالبدی، ادغام سکونتگاه‌های روستایی و شهری مجاور تبریز و از میان رفتن هویت ویژه آنها و گرایش به استقرار اقلی ضعیف جامعه در این سکونتگاه‌ها، تبدیل سکونتگاه‌های روستایی عموماً مولد منطقه به خوابگاه‌ها و شهرک‌های غیرمولد و... موجب گردیده است که منطقه کلانشهری تبریز از سازمان فضایی کارآمد و پایدار در سطح منطقه شهری برخوردار نشده، بطوریکه فقط نقاط شهری (اسکو، آذرشهر، سردرود، خسروشهر، ایلخچی و باسمنج) و روستاهایی چون (فتح‌آباد، خلجان، آناختون و...) آنها هم بدلیل نزدیک بودن به کلانشهر تبریز و وجود صنایع بیشتر در اطراف این شهرها، در سال‌های اخیر با نرخ رشد بالای جمعیت (از طریق مهاجرپذیر بودنشان) توانسته‌اند در جذب سرریز جمعیت بطور غیر مستقیم البته بدون برنامه طبق اهداف منطقه کلانشهری تبریز سهم مؤثری داشته باشند. در این راستا و در جهت تحقق اهداف برنامه‌ریزی فضایی منطقه کلانشهری تبریز اقدامات زیر ضرورت دارد:

- ایجاد مدیریت یکپارچه و متناسب با قلمرو منطقه کلانشهری (نهاد مستقل مدیریت و شورای منطقه کلانشهری) به منظور ساماندهی نظام واحد جمعیت، فعالیت و اسکان در پهنه‌های مختلف منطقه شهری و نظارت مداوم بر تحولات آتی منطقه.



- پخشایش برنامه‌ریزی شده جمعیت در نقاط شهری منطقه کلانشهری از جمله شهرهای اسکو، آذرشهر، سردرود و... به علت وجود پتانسیل آب‌های سطحی و زیرزمینی در حوزه‌های مذکور همراه با تخریب آبخوان آبرفتی دشت تبریز و عدم امکان ترمیم آن.
- فعالیت شهرداری‌ها، فرمانداری‌ها و روستاهای مستقر در منطقه مطابق با تصمیمات نهاد مستقل مذکور.
- تأکید ویژه به شهرهای جدید شهریار و سهند به عنوان جاذب سرریز جمعیت موجود کلانشهر تبریز.
- ایجاد برنامه‌ریزی کلان در صدور مجوز برای فعالیت‌های صنعتی به منظور مدیریت پخشایش جمعیت و اشتغال در سطح منطقه کلانشهری و جلوگیری از تمرکز جمعیت و فعالیت در نقاط سکونتگاهی پیرامون کلانشهر مرکزی.
- انتقال صنایع کاربر تبریز به سایر کانون‌های جمعیتی منطقه کلانشهری و استقرار فعالیت‌های دانش بنیان به جای آن‌ها و توجه به مزیت‌های محلی کانون‌های جمعیتی منطقه مذکور.



منابع

- اسدی، ایرج، ۱۳۹۵؛ تبیین ضرورت ایجاد نظام مدیریت و حکمروایی ویژه برای منطقه کلانشهری تهران، نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، دوره ۲۱، شماره ۱، صص ۱۶-۵.
- حاجی‌پور، خلیل و زبردست، اسفندیار، ۱۳۸۸؛ تبیین فرآیند شکل‌گیری و دگرگونی منطقه کلانشهری تهران، مجله پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، شماره ۶۹، صص ۱۲۱-۱۰۵.
- رشیدی ابراهیم حصاری، اصغر، موحد، علی، تولایی، سیمین و موسوی، میرنجف، ۱۳۹۵؛ تحلیل فضایی منطقه کلانشهری تبریز با رویکرد زیست‌پذیری، فصلنامه فضای جغرافیایی، دانشگاه آزاد واحد اهر، سال ۱۶، شماره ۵۴، صص ۱۷۶-۱۵۵.
- رجایی؛ سیدعباس، ۱۳۹۴؛ تحلیل فضایی فرآیندهای شهرنشینی در منطقه کلانشهری تهران، فصلنامه مطالعات شهری و منطقه‌ای، شماره ۲۵، صص ۱۰۲-۸۳.
- دادش‌پور، هاشم، تدین، سپیده، ۱۳۹۴؛ تحلیل نقش الگوهای سفر در ساختار فضایی منطقه کلانشهری تهران، مجله آمایش جغرافیایی فضا، دانشگاه گلستان، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۸۵-۶۵.
- شرکت شهرک‌های صنعتی استان آذربایجان شرقی، ۱۳۹۰، آمار شهرک‌های صنعتی استان آ.ش.
- قربانی، رسول؛ پورمحمدی، محمدرضا و محمودزاده، حسن، ۱۳۹۵؛ ارزیابی و تحلیل گسترش فضایی کلانشهر تبریز با استفاده از تصاویر ماهواره ای چندزمانه، نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی دانشگاه تبریز، دوره ۲۰، شماره ۵۶، صص ۳۳۸-۲۱۹.
- متوسلی، محمد مهدی و اسماعیل‌زاده، حسن، ۱۳۸۵؛ رشد و پراکنش جمعیت در مناطق کلانشهری- نمونه موردی منطقه کلانشهری تهران، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۸، صص ۷۳-۶۰.
- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی و نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۴۵ الی ۱۳۹۵.
- مهدی‌زاده، جواد، ۱۳۸۵؛ شاخص‌ها و فرآیند تعیین محدوده مجموعه شهری، فصلنامه مدیریت شهری، سال پنجم، شماره ۱۸.
- مهندسین مشاور معماری و شهرسازی زیستا، ۱۳۸۸؛ طرح مجموعه شهری تبریز (بخش اول، قسمت سوم)، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان مسکن و شهرسازی استان آذربایجان شرقی.
- Dadashpoor, H., 2011. Analysis of the determinants locational advantages in metropolitan regions: Empirical evidences from four industrial sector in Tehran Metropolitan region, Journal of Amayesh e Mohit, 4rd time, No.14, Fall 2011. [in Persian]
- Nelles, j, 2012. "Regionalism Redux: Exploring the Impact of Federal Grants on Mass Public Transit Governance and Political Capacity in Metropolitan Detroit", Urban Affairs Review, 1078087412458255.
- Ostrom, E, 1972. Metropolitan Reform: Proposition Derived from Two Traditions, Social Science Quarterly, 53, pp. 474-493.
- Pacione, Michale, 2005. Urban geography, second edition by Routledge.
- Savich, H and Vogel, K. Ronald, 2009. Regionalism and Urban Politics, in Davies, S. Jonathan and Imboroscio, L. David, Theories of Urban Politics, First Publishing, Sage Publication.